ذره‌بین

اعدام ۸ سوداگر مرگ در قزوین

در اجـرای احکام صـادره از سـوی دادگاه برای قاچاقچیان موادمخدر ۸نفر از سوداگران مرگ که اقدام به قاچاق موادمخدر می‌کردند، با برگزاری دادگاه وطی روند قانونی صبح روز سه‌شنبه در زندان مرکزی به دار مجازات آویخته‌شدند.

طبق گـزارش مامـوران مبـارزه بـا موادمخدر در تاریـخ ۲۷ آبان‌مـاه سـال ۱۳۹۱ «م. رهنمـا» و «م. فاریاب» با خودرو کیاسـراتو آبی نفتی شـخصی خود به شهرستان مراغه رفته و در آنجا از شخصی به نام حاج رفیعی موادمخدر خریداری می‌کنند. این دو از ترس شناسایی توسط ماموران، «ح. رهنما» را به همراه دو نفر خانم به نام‌های «م. قاجار» و «م. شالی» با خودرو پژو نقره‌ای جلوتر عازم می‌کنند. خودرو دوم که نقش پشتیبانی را برای حاملان موادمخدر داشت، به‌محض مشاهده حضور ماموران در عوارضی تاکستان با تلفن همراه حضور ماموران را اطـلاع می‌دهد؛ «م. رهنما» و «م. فاریاب» در زنجـان باقی می‌مانند و موادمخدر را کنار اتوبان در زیر یک تابلو تعیین مسـافت زیرخاک مخفی می‌کنند. پس از مدتی م. شالی و ع. رهنما ۲ زن جوان با خودرو سواری پراید به عوارضی زنجان می‌روند تا موادمخدر را به قزوین حمل کنند که با دیدن یکی از ماموران متوجه کمین پلیس می‌شوند و به‌سرعت به قزوین بازمی‌گردنـد. ۲۹ آبان‌ماه م. رهنما به منزل و. حاج‌رفیعی رفته و پـس از توضیح موضوع با خودرو اپتیما نقره‌ای به زنجان رفته و موادمخدر را از زیرخاک درآورده و به سمت قزوین حرکت می‌کنند. این دو نفر با ح. رهنما هماهنگ می‌کنند که وی با شـخصی به نام ع. خانکندی معروف به خاک‌انداز با موتورسیکلت موادمخدر را به سمت قزوین حمل کنند. فرد سر قرار حاضر می‌شـود و خودرو موادمخـدر را از م. رهنما و و. حاج‌رفیعی تحویل می‌گیرد و خودرو را در سبزه‌میدان تحویل می‌دهد که ماموران در اقدام تعقیب و مراقبت، عوامل این باند را دستگیر می‌کنند. پرونده این باند در شعبه اول بازپرسی و شـعبه دوم دادگاه انقلاب مورد بررسی قرار گرفت که درنهایت با استماع دفاع متهمان، دادگاه ح. رهنما و ع. خانکنـدی را به اتهام معاونت در جرم به تحمل ۱۳ سال حبس محکوم و یک دستگاه ترازوی دیجیتالی و موتورسیکلت و خودرو سواری کیا سراتو را به نفع دولت ضبط کرد. متهمان اصلی پرونده م. رهنما ۳۵ سـاله «دارای ۱۰ سابقه کیفری»، فاریاب ۳۸ ساله «دارای یک سـابقه کیفری» و و. حاج‌رفیعی ۴۰ ساله «دارای ۸ سـابقه کیفری» به اتهام شرکت در حمل موادمخدر به اعدام محکوم شدند که رأی صادره طی دوبار طرح در کمیسیون عفو مورد مخالفت قرار گرفت که درنهایت رأی صادره در دیوان عالی کشـور تایید و با اجازه ریاسـت محترم قوه قضائیه اجرا شد.

اعدامی شماره ۴

۱۷ اسـفندماه سـال ۹۰ ماموران پلیس آگاهی شهرستان تاکستان در سه‌راهی ضیاءآباد کنار اتوبان قزوین زنجـان به یک خودرو ال ۹۰ سـفیدرنگ که درحال پرسه زنی بود، مشکوک شـدند. بعد از چند دقیقه ال ۹۰ در کنار اتوبان متوقف و راننده از خودرو خارج شد. در ادامه یک دستگاه پژو ۴۰۵ نقره‌ای‌رنگ کنار وی توقف کرد و هر دو نفر به صندلی عقب خودرو پژو رفتند و مشغول صحبت شدند. ماموران به حرکات زنی که سرنشین ال ۹۰ بود مشکوک و خواستار بازدید کیف‌دستی وی شدند که وی امتناع کرد و سرانجام ماموران در بازرسـی از داخل کیف این زن ۳ بسـته هروئین به وزن یک کیلو و نیم کشف کردند. پرونده در شعبه اول بازپرسی تاکستان و شعبه دوم دادگاه انقلاب مورد بررسی قرار گرفت و درنهایت دادگاه گنج‌خانی را به اعدام با یک درجه تخفیف و همسـرش را به خاطر فرزند دوساله‌اش به اعدام با دو درجه تخفیف محکوم کرد. همچنیـن ع. باقرزاده ۳۳ سـاله «دارای ۵ فقره سابقه کیفری» به اعدام محکوم شد.

پنجمین پرونده اعدامی

ماموران پلیس موادمخدر به دادستان اعلام کردند که در پی یک‌سری اطلاعات به‌دست‌آمده شخصی به نام ب. چکان‌لو با همسرش الف. فوچی در امر تهیه و توزیع هروئین و شیشه فعالیت دارند. ۱۴ شهریورماه ۹۱ به دستور دادستان دادیار شعبه هفتم حکم ورود به منزل و مخفیگاه صادر شـد و ماموران در بازرسی از خانه این مرد مقدار ۱۰ کیلوگـرم هروئین در ۱۰ بسته آماده فروش و مبلغ ۱۵ میلیون تومان وجه نقد از اتاق خواب و زیر تختخواب کشف کردند و در بازرسی از خودرو پژو ۲۰۶ نیز مقدار ۱۹۰ گرم هروئین کشف و متهمان بازداشت شدند. برای الف. قوچی آریامجد قرار منع تعقیب صادر و مبلغ ۱۵ میلیون تومان مکشوفه به نفع دولت ضبط و ب. چکانلو ۳۵ ساله «دارای ۱۲ سابقه کیفری» به اعدام محکوم شد.

قاچاق ۲ کیلو شیشه

ماموران پلیس در ۲۱ مردادماه سال ۹۲ در بازرسی از خانه فردی به نام «ص. ک»، از خودرو ۴۰۵ متهم یک کیلو و ۹۹۰ گرم شیشـه کشف کردند. متهم اعتراف کرد که موادمخـدر را در تهران به مبلغ ۲۴۰ میلیون ریال خریداری کرده اسـت. شعبه اول دادگاه انقلاب متهم «ص. ک» ۳۱ سـاله «دارای سابقه کیفری» را به اتهام حمل و نگهداری موادمخدر به اعدام محکوم کرد.

قاچاقچی سابقه‌دار

۱۸ آذرماه سال ۹۰ نیز پلیس به یک خودرو سواری ۲۰۶ مشکی مشکوک شد و در بازرسی از زیر صندلی راننده این خودرو ۲ بسـته هروئین مرطوب پیچیده شده در پیراهن مشکی مردانه کشـف کردند که در بازجویی‌ها الف. حبیب‌زاده اعتراف کرد که مواد متعلق به او اسـت، در نتیجه دادگاه الف. حبیب‌زاده ۲۹ ساله «دارای ۳ سابقه کیفری» را به اتهام حمل و نگهداری ۸۶۵ گرم هروئین مرطوب به اعدام محکوم کرد.

آخرین اعدامی

غ. مـرادی در ۱۰ کیلومتـری عوارضـی اتوبـان قزوین - زنجان به همراه ع. سـیروس دستگیر شدند و ماموران ۲ بسـته هروئین از داخل زاپاس زانتیا کشف کردند. شـعبه سـوم دادگاه انقلاب خودرو دوو سی یلو سفید و موتورسیکلت توقیفی را ضبط و غ. مرادی ۳۸ ساله «دارای سابقه کیفری» را به اتهام خریدوفروش موادمخدر به اعدام و ع. سـیروس را به ۲۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد که رأی صادره پس از تایید توسط دادستان کل کشور و پس از دوبار مخالفت در کمیسیون عفو، مورد تایید ریاست قوه قضائیه قرار گرفت.

صبح دیروز از سوی ۴ متهم به قتل انجام شد

تصویرسازی صحنه‌های تلخ قتل پدر در مقابل چشمان دختر

قربانی جنایت

شهروند| پرونده زن خیانتکاری که در اقدامی هولناک چهار مرد را برای کشـتن شوهرش اجیر کرد و سکانس تلخ یک جنایت را در مقابل چشمان تنها دختر کوچکش اجرا کرد، صبح دیروز از سوی دو قاضی جنایی تهران بررسی شد. در این پرونده که چهار مرد به‌عنوان قاتل اصلی شناخته شده‌اند، بار دیگر در مقابل هیأت قضائی صحنه قتل شوهر این زن را بازسازی کردند. این چهار مرد تنها با یک شلوار مرد جوان را به قتل رسانده بودند.

پرونده این جنایت ساعت ۹ شـب هفتم آذرماه سال ۹۲ در مقابل پلیس و بازپرس جنایی گشوده شد. در آن شب به ماموران کلانتری ۱۷۱ مصطفی خمینی خبر رسـید که جسـد مـرد جوانی در بیابان‌های بخش آفتاب کشف شده است. کارآگاهان پلیس بلافاصله موضوع را به بازپرس کشیک جنایی اطلاع دادند و برای پیگیری ماجرا راهی محل شدند. با حضور ماموران مشـخص شـد که مرد جوانی درحالی که لباس‌های راحتی خانه به تن داشـت، خفه شده اسـت. بررسی‌ها نشـان می‌داد که این مرد در محل دیگری به قتل رسـیده و به این مکان منتقل شده است. بنابراین جسد برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل و تجسس‌های پلیسی در این رابطه آغاز شد.

ماموران در نخسـتین گام از تجسس‌های خود سعی کردند هویت این مرد را پیدا کنند. تحقیقات نشـان می‌داد که مرد جوان محسـن ۴۴ ساله نام دارد که محل سکونتش در نازی‌آباد تهران است و یک مغازه سوپرمارکت نیز داشـته است. بنابراین تیم تجسـس به سـراغ خانواده این مرد رفت و از آنها تحقیق کرد. همسر این مرد به ماموران گفت: «شوهرم دو روز اسـت که از خانه بیرون رفته و از او خبری ندارم. نمی‌دانم چه اتفاقـی برایش افتاده و از سوی چه کسانی کشته شده است.»

اعترافات زن خیانتکار

در ادامه اظهارات دختر ۱۰ سـاله مقتول مسیر پرونده را تغییـر داد و ترس و وحشـت این دختر نشان از یک جنایت خانوادگی می‌داد. برای همین ماموران پلیس بار دیگر به سراغ همسر مقتول رفته و او را مورد بازجویی قرار دادند تا این‌که درنهایت زن ۳۲ ساله راز شـب جنایت را فاش کرد و به ماموران گفت: «من و شوهرم با هم اختلافات زیادی داشتیم. برای همین درمیان این همه مشـکلات با مردی به نام امیر که نصاب آسانسـور بود، آشـنا شـدم. مهربانی‌های امیر باعث شـد که من عاشق او شوم. من به امیر وابسـته بودم و نمی‌دانستم چطور باید از شوهرم خلاص شـوم تا بتوانم با امیر ازدواج کنم. در این میان شوهرم هم مرتب مرا اذیت می‌کرد تا این‌که امیر تصمیم گرفت او را ادب کند. شب حادثه ساعت ۸ شب بود که امیر وارد خانه شد و به اتاق رفت. شوهرم در اتاق خواب بود که امیر و بعد از آن برادرش به همراه دو نفر دیگر از دوستانش وارد اتاق شدند و شوهرم را با یک شلوار خفه کردند اما من و دخترم که در سالن نشسته بودیم، اصلا ندیدیم که دقیقا چه کسی شوهرم را خفه کرد.»

بازداشت قاتل عاشق

با اعترافات این زن، امیر نیز دسـتگیر شـد و به ماموران گفـت: «از آنجایی که به شـدت به بهناز علاقه‌مند شده بودم، می‌خواستم با او ازدواج کنم. روزهای اول آشنایی، من نمی‌دانستم که بهناز شوهر دارد. او به من گفته بود از شـوهرش جدا شده و با دخترش به تنهایی زندگی می‌کند، اما چندماه پس از ارتباطمان متوجه شدم این زن شوهر دارد و هنوز از هم جدا نشده‌اند. با اینحال چون عاشقش شده بودم، تصمیم گرفتم که ارتباطم را با او ادامه دهم. ولی بهناز همیشه از بدرفتاری‌های شوهرش می‌گفت و من که خیلی عصبانی بودم، روز حادثه با برادر ۱۷ ساله‌ام به نام سهیل و دونفر از دوستانم به نام‌های مجید و نادر تماس گرفتم و با هم به خانه مقتول رفتیم تا او را ادب کنیم. ولی وقتی به آن جا رفتیم، درگیری بیشتر شد و مجبور به کشتن این مرد شدیم.»

کیفرخواست قتل برای ۴ متهم پرونده

پس از اعترافات متهم ۲۲ سـاله این پرونده، سه همدسـت او نیز، هرکدام در عملیات‌های جداگانه دستگیر شدند و به جرم خود اعتراف کردند. آنها به ماموران گفتند که با تماس امیر به آن خانه رفته‌اند چون امیر از آنها خواسته برای یک مسأله ناموسی به خانه مردی بروند و با او درگیر شوند. درنهایت با اعترافات پنج متهم این پرونده درحالی که اظهارات آنها درباره لحظه قتل و این‌که دقیقا چه کسی مقتول را با شلوار خفه کرده‌است، تناقض‌هایی وجود داشت، کیفرخواسـت آنها صادر و هر چهار مـرد به اتهام مشارکت در قتل مجرم شـناخته شدند. بنابراین پرونده برای رسیدگی و صدور رأی به شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

اشک‌های تنهاولی‌دم این پرونده

صبح دیروز جلسه محاکمه این چهار مرد به همراه زن جوان در شعبه هشـتم دادگاه کیفری استان تهران و به ریاسـت قاضی اصغرزاده برگزار شد. در ابتدای این جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و برای متهمان تقاضـای قصاص کرد. در ادامه دختر ۱۰ ساله مقتول به‌عنوان تنها ولی‌دم این پرونده درحالی که عکس پدرش را در آغوش گرفته بود، به قضات گفت: «من برای چهار متهم این پرونده تقاضای قصاص دارم و از دادگاه می‌خواهم تا مادرم را هم مجازات کنند.»

قاضی از این دختر پرسید: «پیش از شروع جلسه مادرت از من خواسـت تا با تو صحبت کنم که اگر دوسـت داری لحظه‌ای با مادرت صحبت کنی، آیا قبول می‌کنی؟»

دختر نوجوان درحالی که اشک می‌ریخت، پاسخ داد: «نه. من از این زن متنفرم. او هم سایه پدرم و هم سایه خودش را از من گرفت و من نمی‌خواهم حتی به صورتش نگاه کنم. این زن دیگر مادر من نیست و من می‌خواهم مجازات شود. پدرم مرد خوبی بود و وضع مالی خوبی هم داشـت، اما مادرم مرتب او را اذیت می‌کرد و به خاطر ارتباطش با امیر هر شـب دعوا به راه می‌انداخت.»

در ادامه عموی این دختـر به‌عنوان قیّم او نیز، از دادگاه تقاضای قصاص چهار متهم را کرد و گفت که حاضر است تفاضل دیه ۳ نفر دیگر را هم بپردازد تا هر چهار متهم قصاص شوند.

بازسازی دوباره صحنه جنایت

پس از این صحبت‌ها امیر متهم اصلی در جایگاه قرار گرفت و در مورد اتهامات خود به قاضی اصغرزاده گفت: «من قبول دارم که مرتکب قتل شده‌ام، ولی باور کنید قصد کشتن کسی را نداشتم. من و بهناز دوسـال پیش با هم آشنا شـدیم. آن زمان من در مشهد بودم که از طریق گوشی تلفن همراه دوستم شـماره این زن را دیدم و با او تماس گرفتم. بعد از ارتباط ما به صورت تلفنی ادامه یافت تا این‌که ۱۰ ماه بعد او را ملاقات کردم. بعد از این ملاقات هم بیشتر به او علاقه‌مند شدم و از آنجایی که او و دخترش مرتب از دست مقتول شـکایت می‌کردند، دلم برایشان می‌سوخت. من اوایل نمی‌دانسـتم این زن شوهر دارد و چون هربار که می‌خواسـتم، می‌توانستم با بهناز تماس بگیرم، اصلا به موضوع شـک نکردم و تصور می‌کردم تنها زندگی می‌کند. تا این‌که پس از یک‌سال جلوی در مدرسه دختر بهناز متوجه شدم، این شـوهر دارد و با او زندگی می‌کند اما پس از آن بهناز و دخترش مرتب گریه می‌کردند و از آزارهای محسن می‌گفتند تا این‌که من عصبانی شدم و شب حادثه به همراه دوستانم به آن خانه رفتیم. در خانه باز بود که وارد شـدیم. من قصد قتل نداشتم برای همین هیچ وسیله‌ای برای قتل با خودم برنداشتم. در آن‌جا هم وقتی با مقتول درگیر شـدیم، برادرم سهیل که مست بود و مجید و نادر شلوار را برداشتند و مقتول را کشـتند. اما من چون پشتم به آنها بود، دقیقا ندیدم که چه کسی قتل را انجام داد.»

در این لحظه قاضی از متهم خواسـت بار دیگر صحنه جنایت را در دادگاه بازسازی کند. این متهم نیز صحنه جنایت را بازسازی کرد و گفت که هنگام قتل پشتش به سه متهم دیگر بوده است. در ادامه این جلسه نیز سـهیل برادر متهم درحالی که ادعا می‌کرد قتل را مرتکب نشده‌است، اظهارات برادرش را انکار کرد و گفت که ندیده است چه کسی شلوار را دور گردن مقتول انداخته و او را خفه کرده است. صحبت‌های متهمان به این‌جا که رسـید، هیأت قضائی ادامه جلسه را به روز بعد موکول کردند.

انهدام باند سارقان رینگ و لاستیک

شهروند| اعضای باند سرقت رینگ و لاستیک پس از ۴ سال فعالیت در دام ماموران پلیس گرفتار شدند.

وقتی پرونده‌های مشابه سـرقت لوازم و محتویات داخل خودرو روی میز اداره بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت، دستگیری سـارقان در دستور کار تیمی از کارآگاهان قرار گرفت.

کارآگاهان با بررسی سوابق مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت لوازم خودرو اطلاع پیدا کردند که تعدادی از این متهمان که در سـال‌های گذشته بارها به اتهام ارتکاب سرقت مرتبط با خودرو و داخل خودرو دستگیر و روانه زندان شـدند، همگی با تأمین قرار قانونی از زندان آزاد شـدند. با توجه به آزادی مجرم سـابقه‌دار به نام امیر ۳۶ ساله در خرداد سال جاری و احتمال مشارکت وی در سرقت‌های اخیر، تحت مراقبت‌های پلیسی قرار گرفت و مشخص شد که وی سرکردگی گروه جدیدی از سارقان لوازم خـودرو به‌ویژه در خصوص رینگ و لاسـتیک را در اختیار داشته که این گروه به‌صورت گسترده در سطح شهر تهران اقدام به سرقت رینگ و لاستیک خودروهای کامیونت و نیسان می‌کنند. در ادامه اقدامات پلیسی، سه عضو دیگر این گروه به نام‌های محسن ۴۰ ساله، نورالله ۳۶ ساله و مهدی ۳۳ ساله- برادر نورالله نیز شناسایی و در ادامه مخفیگاه تمامـی متهمان در مناطق مختلف شهر تهران شناسایی شد. با شناسایی کلیه اعضای گروه سارقان، هماهنگی‌های لازم با مقام محترم قضائی انجام و به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، دستور بازداشت کلیه اعضای گروه صادر شد. کارآگاهان در نخستین مرحله از دستگیری متهمان، با مراجعه به مخفیگاه سرکرده گروه امیر در محدوده میدان بهشت اقدام به دسـتگیری وی کردند؛ در زمان دسـتگیری امیر، عضو دیگری از این گروه سارقان به نام محسن نیز در مخفیگاه این متهم حضور داشت که او نیز دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه متهمان چندین حلقه رینگ و لاسـتیک سرقتی متعلق به خودروهای نیسان و ایسوز کشف شـد. «امیر» و «محسـن» پس از انتقال به اداره بیستم به صدها فقره سرقت رینگ و لاستیک اعتراف و در خصوص نحوه فروش اموال به خریداران اموال سرقتی عنوان کردند که دو عضو دیگر گروه نورالله و مهدی اقدام به فروش رینگ و لاستیک‌های سـرقتی می‌کنند؛ با شناسایی محل تردد این دو متهم که دو برادر هم هستند، در محدوده میدان مرکزی میوه و تره‌بار تهران دستگیر و به اداره بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند. در تحقیقات از «نورالله» و «مهدی» مشـخص شد که با وجود دستگیری این گروه متهمان در طول سال‌های گذشته، آنها گروه سـرقت خود را از اوایل سال ۱۳۹۰ تشـکیل داده و هربار که اعضای گـروه در پرونده‌های مختلف دستگیر و روانه زندان می‌شدند، آنها موقتا دست از فعالیت خود برداشـته و پس از آزادی مجددا فعالیت خود را از سر می‌گرفتند. این دو برادر در ادامه اعترافات خود ادعا کردند که عمده اموال سـرقتی را به مردی به نام قهار در شهرسـتان بندر گز فروخته‌اند؛ با این ادعا «قهار» ۵۷ ساله نیز دستگیر شـد. در ادامه رسیدگی به این پرونده تعداد ۱۰ مال‌خر و خریدار اموال سرقتی دیگر نیز که با این گروه از سارقان همکاری داشتند، شناسایی، در چندین عملیات مختلف دسـتگیر و به خرید اموال سـرقتی از این گروه دزدان حرفه‌ای اعتراف کردند که از سوی مقام محترم قضائی برای آنها قرار قانونی صادر شد. با توجه به کشف ده‌ها حلقه رینگ و لاستیک متعلق به خودروهای نیسان، ایسوز، کامیونت و خاور از این گروه از سارقان، از کلیه مالباختگانی که از سال ۱۳۹۰ تا پایان آبان ۱۳۹۴ مورد سرقت رینگ و لاستیک‌های متعلق به خودروهای اعلامی قرار گرفتند، دعوت می‌شود تا با به همراه داشتن سابقه شکایت خود به اداره بیستم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه تا نسـبت به تحویل اموال شده به آنها اقدام شود.

آژیر

لغو اعدام رئیس باند سارقان مسلح پایتخت

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران با اشاره به وصول توبه‌نامه از سوی سرکرده باند سارقان مسلح پایتخت که قرار بود صبح چهارشنبه اعدام شود، از توقف اجرای حکم اعدام وی به‌دنبال وصول این توبه‌نامه خبر داد.

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران با بیان این‌که علت این تصمیم، وصول توبه‌نامه از سوی این محکوم بوده اسـت، گفت: با توجه به وصول این توبه‌نامه، اجرای حکم وی متوقف می‌شـود و بـا برگـزاری دادگاه مربوطـه، تصمیم نهایی درخصوص این پرونده اتخاذ خواهد شد.

سقوط هواپیما در دهلی‌نو ۱۰ کشته داد

یک فروند هواپیمای سـبک پس از پرواز از فرودگاهی در دهلی‌نو، پایتخت هند سـقوط کرده و کلیه سرنشـینان آن کشـته شده‌اند. مقام‌های هنـدی می‌گویند که ایـن هواپیما بلافاصله پـس از پرواز از فـرودگاه بین‌المللی «ایندیرا گانـدی» به یک دیـوار اصابت کرد و سـرنگون شـد. این هواپیمای دو موتوره ۱۰ سرنشین داشته که ماموران امنیتی گارد مرزی هند بودند. هواپیما به مقصد شهر «رانچی» در ایالت «جارکند» درحال پـرواز بود. به گزارش بی‌بی‌سی، آخرین سانحه بزرگ هوایی در هند به سـال ۲۰۱۰ برمی‌گردد که سقوط هواپیما در شهر «منگلور»، ۱۶۰ کشته برجای گذاشت. تحقیقات در زمینه سقوط این هواپیمای سبک آغاز شده است.

قطار باری پراید را له کرد

بی‌احتیاطی راننده پراید موجب شد تا یک قطار باری از روی این پراید عبور کرده و آن را له کند.

سیدمصطفی مرتضوی سـخنگوی سازمان امدادونجات هلال‌احمر با اشـاره به تصادف یک دسـتگاه پراید با قطار باری گفت: این حادثه در جاده زاهدان به میرجاوه رخ داده است.

وی در تشریح علت وقوع حادثه گفت: یک پراید بدون توجه به هشـدارهای خط نگه‌دار راه‌آهن مبنی بر عبور قطار باری از ریل، قصد عبور از ریل قطار را داشت که همزمان با ورود قطار، پراید نیز روی ریل قرار گرفت.

بی‌احتیاطـی راننـده پراید فرصتـی برای ترمز کردن به قطار نداد و قطار از روی پراید عبور کـرده و آن را له کرد. ۳ سرنشـین پراید به طرز معجزه‌آسایی از این حادثه جان سالم به در بردند و تنها به مداوای سرپایی نیاز پیدا کردند.

این حادثه ساعت ۲۱:۲۵ شبامگاه دوشنبه در کیلومتر ۱۰ جاده زاهدان به میرجاوه رخ داد.

غافلگیری مرگبار پیرزن در تهرانپارس

پیرزن ۷۲ سـاله در شـرق پایتخت به قتل رسـید. تیم قضائی با مرگ معمایی این زن با گره کوری مواجه شدند، ساعت ۱۱ ظهر دیروز ماموران کلانتری ۱۲۶ تهـران پارس با قاضی ایلخانی کشیک جنایی پایتخت تماس گرفتند و خبر از یک جنایت دادند. همین تماس کافی بود تا قاضی به همراه تیم تجسس پلیس آگاهی تهران در قتلگاه که آپارتمانی در طبقه اول بود، حاضر شوند. قربانی زن ۷۲ ساله‌ای بود که بر اثر خفگی جان خود را از دست داده بود. بررسی‌ها حکایت از این داشت که همسایه‌ها هنگام عبور از مقابل آپارتمان وی متوجه شـدند که در باز اسـت. آنها پس از ورود به داخل خانه، جسـد پیرزن را در یکی از اتاق خواب‌ها دیدند که روی زمین افتاده بود و همان موقـع پلیس را خبر کردند. آن‌طور که به نظر می‌رسید، چند ساعتی از مرگ پیرزن می‌گذشت اما هیچ آثار سرقت و به هم‌ریختگی در محل دیده نمی‌شـد و این یعنی قربانی از سـوی عامل یا عاملان جنایت غافلگیر شـده و به قتل رسیده بود. کارآگاهان در ادامـه تحقیقات دریافتند کـه قربانی پس از مرگ شـوهرش همراه دختر جوان خود که حدودا ۳۰ ساله بود، در آن‌جا زندگی می‌کرد اما در آن ساعت دختر وی خانه نبود. قتل معمای این پیرزن، چندین فرضیه جنایی را پیش‌روی تیم تحقیق قرار داده اسـت که کارآگاهان به زودی با شناسایی عامل یا عاملان جنایت گره کور این پرونده را باز خواهند کرد.

نجات پارچه‌فروش با فداکاری مامور پلیس

مأمـور پلیس و سـرباز وظیفه بـا به خطر انداختـن جـان خـود، راننـده خـودروی وانـت را از میان آتـش نجات دادند. سـاعت ۱۷:۳۰ دقیقـه یکشـنبه سـرگرد مهـدی فتح‌آبادی و سـرباز وظیفه‌ای به نام احسـان فلاح‌زاده هنگام گشـتزنی در بلوار پاسـداران شهرسـتان ابرکوه مشـاهده کردند خودروی وانت پیکانی با محموله پارچه درحال سوختن است و راننده میانسال آن گرفتار شده و مردم نتوانسته‌اند کمکش کنند. مامور وظیفه‌شناس و سربازی که همراهش بود، با به خطر انداختن جان خود به دل آتش زده و مرد میانسال را که به شدت ترسیده بود، نجات دادند. مامور پلیس سپس با کپسول آتش‌نشانی شعله‌های آتش را خاموش کرد.